

رسالة محمد



دانشگاه پیام نور
دانشکده حقوق

پایان نامه
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته حقوق خصوصی

عنوان پایان نامه

طریقت یا موضوعیت ادله و وسایل اثبات دعوا در امور حقوقی

استاد راهنما
جناب آقای دکتر عبدالرسول دینانی

استاد مشاور
جناب آقای دکتر محمدباقر پارساپور

نگارش
مهدی قره‌داغی

تابستان ۱۳۹۰



دانشگاه پیام نور

بسمه تعالی

تصویب پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان «طریقت یا موضوعیت ادله و وسایل اثبات دعوا در امور حقوقی» که در دانشگاه پیام نور مرکز تهران تهیه و به هیات داوران ارائه گردیده است مورد تایید می باشد.

تاریخ دفاع:

نمره: درجه ارزشیابی:

اعضای هیات داوران:

نام و نام خانوادگی: هیات داوران مرتبه علمی امضاء

استاد راهنما

استاد مشاور

استاد داور

نماینده گروه علمی

نماینده تحصیلات تکمیلی

مشکروسیاس

من علمی حرفه‌آورد صیرنی عبداً

خداوند منان را سپاس که توفیق اتمام این رساله را عنایت فرمود.
سپاس‌گزاری می‌کنم از همه اساتیدی که در حقیق استادی کردند
به‌ویژه از زحمات بی‌دریغ همه کسانی که در انجام این رساله مرا
یاری کردند؛ جناب آقای دکتر عبدالرسول دیانی استاد راهنما، و
جناب آقای دکتر محمدباقر پارساپور استاد مشاور، که با رهنمودها
و یادآوری نکات ارزشمند خود، مرا در رفع کاستی‌های این رساله
یاری نمودند.

تقدیم

به همسر عزیزم که در طول تحصیل و تدوین
پایان‌نامه مشوق اینجانب بودند.

چکیده

یکی از مسائلی که نقش مهم و اساسی در رسیدگی‌های حقوقی دارد، تعیین نظام حاکم بر ادله و وسایل اثبات دعوا می‌باشد که می‌تواند طریقت یا موضوعیت و یا تلفیقی از آن دو باشد. با پذیرش هر کدام از نظام‌های مذکور، روند دادرسی توسط قاضی از لحاظ اختیار قاضی در استناد به ادله و ارزیابی آن در مورد ادله و وسایل اثبات دعوا از حیث تعداد، قدرت اثباتی و تشریفات کاملاً متفاوت شده و به تبع در تعیین سرنوشت دعوا و هدف دستگاه حق‌گزاری که ممکن است حسب مورد کشف حقیقت مطلق و اجرای عدالت یا صرفاً فصل خصومت باشد موثر است.

هدف از تدوین این پایان‌نامه کشف و اثبات نظام حاکم بر ادله و وسایل اثبات دعوا در محاکم حقوقی کشور جهت ارائه راهکار مناسب برای شناسایی و استناد به نظام مطلوب حاکم بر ادله و وسایل اثبات دعوا در جهت کشف حقیقت مطلق توسط مقامات صالح برای رسیدگی به دعوا، وکلای دادگستری و اصحاب دعوا در اقامه دعوا و دفاع در قبال آن بوده است. به نظر می‌رسد که مستنداً به نظر مقنن و علی‌الخصوص فقه امامیه که منبع اصلی الهام و اقتباس حقوق ماست نظام حاکم بر ادله و وسایل اثبات دعوا در محاکم حقوقی ایران نظام طریقت است.

کلیدواژه‌ها: طریقت، موضوعیت، ادله اثبات دعوا، وسایل اثبات دعوا، امور حقوقی.

فهرست مطالب

بخش اول: کلیات

۱-۴۱

۲	فصل اول: مقدمه.....
۳	قسمت اول: پیشینه تحقیق و ضرورت انجام آن.....
۳	قسمت دوم: سوالات اصلی تحقیق.....
۳	قسمت سوم: فرضیه‌ها.....
۴	قسمت چهارم: روش تحقیق.....
۴	قسمت پنجم: سامانه پژوهش.....
۵	فصل دوم: مفاهیم.....
۵	قسمت اول: تعریف اثبات.....
۶	قسمت دوم: تعریف اقسام اثبات.....
۶	قسمت سوم: تعریف دلالت.....
۸	قسمت چهارم: تعریف اقسام دلالت.....
۱۲	قسمت پنجم: تعریف ثبوت.....
۱۲	قسمت ششم: تعریف دلیل.....
۱۵	قسمت هفتم: تعریف وسایل اثبات دعوا (امارات خاص قضایی).....
۱۸	قسمت هشتم: تعریف طریقت و موضوعیت.....
۲۱	فصل سوم: قواعد عام مربوط به ادله.....
۲۱	قسمت اول: موضوع دلیل (محتوا و مصادیق ادله اثبات دعوا).....

۲۴	قسمت دوم: اهمیت دلیل
۲۵	قسمت سوم: هدف دلیل
۲۶	قسمت چهارم: تقسیم‌بندی دلیل
۲۶	عنوان اول: از جهت دلالت
۲۸	عنوان دوم: از جهت امر یا امور مورد اثبات
۲۹	عنوان سوم: از نظر درجه اعتبار
۳۰	عنوان چهارم: از جهت امکان اثبات موضوع دعوا
۳۰	عنوان پنجم: تقسیم‌بندی دلیل در فقه امامیه
۳۴	الف) اقرار
۳۴	ب) اماره
۳۵	قسمت پنجم: مقایسه ادله اثبات دعوا در دعاوی حقوقی و کیفری
۳۵	عنوان اول: اشتراکات ادله در دعاوی حقوقی و کیفری
۳۵	عنوان دوم: تمایزات ادله در دعاوی حقوقی و کیفری
۴۰	فصل چهارم: آشنایی با نظام‌های دادرسی
۴۰	قسمت اول: نظام دلایل قانونی
۴۰	قسمت دوم: نظام دلایل آزاد
۴۱	قسمت سوم: نظام دلایل مختلط

بخش دوم: طریقت ادله و وسایل اثبات دعوا ۴۲

۸۲-۴۲

۴۳	فصل اول: دلایل عمومی طریقت ادله و وسایل اثبات دعوا
۴۳	طرح بحث
۴۴	قسمت اول: دلایل عمومی طریقت ادله و وسایل اثبات دعوا
۴۴	عنوان اول: حصری نبودن ادله
۴۵	عنوان دوم: اقناع وجدان دادرس
۴۹	عنوان سوم: دلایل روانشناختی
۵۰	الف) دلایل روانشناختی شهادت

۵۰	ب) خصلت نقصانی شهادت
۵۳	ج) دلایل روانشناختی اقرار
۵۴	د) انگیزه‌های اقرار
۵۶	فصل دوم: دلایل اختصاصی طریقت ادله و وسایل اثبات دعوا
۵۶	قسمت اول: طریقت شهادت
۶۲	قسمت دوم: طریقت کارشناسی
۶۵	قسمت سوم: طریقت اقرار
۶۸	قسمت چهارم: طریقت سند
۷۳	قسمت پنجم: طریقت اماره قانونی
۷۳	قسمت ششم: طریقت اماره قضایی
۷۷	قسمت هفتم: طریقت تحقیق محلی
۷۹	قسمت هشتم: طریقت معاینه محل
۸۱	قسمت نهم: طریقت سوگند

بخش سوم: موضوعیت ادله و وسایل اثبات دعوا

۸۳-۱۱۸

۸۴	فصل اول: دلایل عمومی موضوعیت ادله و وسایل اثبات دعوا
۸۴	طرح بحث
۸۴	قسمت اول: دلایل عمومی موضوعیت ادله و وسایل اثبات دعوا
۸۴	عنوان اول: حصری بودن ادله
۸۵	عنوان دوم: اقناع وجدان مقنن
۸۶	عنوان سوم: قاعده منع تحصیل و تلقین دلیل
۸۹	الف) نقش اصحاب دعوا نسبت به یکدیگر
۹۰	ب) نقش قاضی در روابط طرفین
۹۳	ج) تعدیل قاعده کلی (قاعده منع تحصیل دلیل)
۹۷	د) انحصار ادله، توان اثباتی آنها و رعایت مقررات شکلی
۹۷	هـ) رعایت محدوده ضمانت اجراهای قانونی

۹۹	فصل دوم: دلایل اختصاصی موضوعیت ادله و وسایل اثبات دعوا
۹۹	قسمت اول: دلایل موضوعیت اقرار
۱۰۳	قسمت دوم: دلایل موضوعیت شهادت
۱۰۴	قسمت سوم: موضوعیت کارشناسی
۱۰۸	قسمت چهارم: موضوعیت اماره قضایی
۱۰۸	قسمت پنجم: موضوعیت سند
۱۱۰	قسمت ششم: موضوعیت سوگند
۱۱۳	قسمت هفتم: موضوعیت اماره قانونی
۱۱۷	قسمت هشتم: موضوعیت معاینه محل
۱۱۹	نتیجه
۱۲۲	فهرست منابع

بخش اول

کلیات

فصل اول: مقدمه

این پایان‌نامه با عنوان «طریقیت یا موضوعیت ادله و وسائل اثبات دعوا در امور حقوقی» در مقام یافتن پاسخی برای این پرسش است که در نظام حقوقی و شرعی ایران، ادله و وسائل اثبات دعوا تابع کدام یک از سیستم‌های طریقیت (اقتناع وجدان قاضی) یا موضوعیت (اقتناع وجدان قانون‌گذار یا شارع) یا تلفیقی از هر دو آنها می‌باشد. به عبارت دیگر اینکه آیا قاضی اختیار ارزیابی و پذیرش ادله و وسائل اثبات دعوی مصرحه و غیرمصرحه در قانون را در جهت حصول ایقان وجدانی خود دارد یا ندارد (طریقیت) یا دلایل و وسائل اثبات دعوا از جهت تعداد، قدرت اثباتی و تشریفات قانونی احصاء شده توسط مقنن بر قاضی تحمیل شده و وی علی‌رغم عدم حصول اقتناع وجدانی ملزم به تبعیت و صدور حکم براساس آنها می‌باشد (موضوعیت) و یا ممکن است برخی از ادله و وسائل اثبات دعوا مثل اقرار موضوعیت داشته و برخی دیگر از جمله شهادت شهود طریقیت داشته و قاضی در ارزیابی و پذیرش آنها مختار می‌باشد.

گستره بحث شامل ادله و وسائل اثبات دعوا در امور حقوقی ایران با لحاظ منبع اقتباس آن که فقه امامیه و حقوق فرانسه می‌باشد. نگارنده در این تحقیق علی‌رغم بضاعت اندک علمی کوشیده است تا موضوع را به صورت بنیادین و اساسی از دیدگاه شریعت اسلامی و حقوق موضوعه مورد بررسی قرار دهد تا مشخص گردد که هدف والا و اصلی دادرسی در مراجع قضاوتی تلاش در جهت کشف حقیقت و اجرای عدالت است یا صرفاً فصل خصومت. به نظر نگارنده با مذاقه در واژه دادرسی که به معنای رسیدگی به داد و ستیز یا بیداد است، این هدف والا چیزی جز تلاش در جهت کشف حقیقت و اجرای عدالت نمی‌باشد که به نظر این امر خطیر با حاکمیت سیستم طریقیت بر ادله و وسائل اثبات دعوا حاصل می‌شود.

قسمت اول: پیشینه تحقیق و ضرورت انجام آن

طریقت یا موضوعیت ادله و وسایل اثبات دعوا در امور حقوقی با اینکه از مسائل جدید در علم حقوق نیست و از مسائلی می‌باشد که نه تنها در حقوق کلاسیک بلکه در فقه نیز مورد بحث است اما متأسفانه بحثهایی که تاکنون صورت گرفته بسیار مجمل بوده است و کتاب یا رساله یا مقاله مبسوط و مستقل که مربوط به طریقت یا موضوعیت ادله در دعاوی حقوقی باشد به نگرارش در نیامده است، اما با مراجعه به کتابخانه‌ها و رویت محتویات کتاب‌های حقوقی و فقهی و ملاحظه مطالب موجود در سایت‌های مختلف از جمله سایت اطلاعات و مدارک علمی و کتابخانه ملی به تعداد اندکی آثار که تا حدودی مرتبط با موضوع پایان‌نامه انتخابی می‌باشد، اشاره می‌شود. ادله اثبات در امور مدنی و کیفری تالیف دکتر عبدالرسول دیانی، ادله اثبات دعاوی کیفری که توسط گروه پژوهشی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی تدوین شده است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع طریقت و موضوعیت ادله اثبات دعوا در امور کیفری نوشته بهنام یوسفیان با راهنمایی دکتر محسن رهامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع طریقت یا موضوعیت ادله اثبات دعوا در حقوق کیفری ایران و مصر نوشته فیروز محمودی جانکی با راهنمای دکتر محمد آشوری، کتاب ادله اثبات دعوا و آیین دادرسی مدنی دکتر عبدالله شمس و کتاب اثبات و دلیل اثبات نوشته دکتر ناصر کاتوزیان. لذا با توجه به اهمیت شایان کاربرد ادله و وسایل اثبات دعوا در محاکم حقوقی، ضرورت انجام تحقیق در این زمینه احساس می‌شود.

قسمت دوم: سوالات اصلی تحقیق

۱. در نظام حقوقی و شرعی ایران، ادله و وسایل اثبات دعوا تابع کدام‌یک از سیستم‌های طریقت یا موضوعیت هستند؟
۲. محاکم حقوقی در پذیرش ادله و وسایل اثبات دعوا تمثیلی مقنن مختارند یا مجبور؟
۳. تعیین قدرت اثباتی ادله و وسایل اثبات دعوا در اختیار چه کسی می‌باشد؟
۴. اختیار قاضی محکمه حقوقی در عدول از تشریفات قانونی ادله و وسایل اثبات دعوا چیست؟
۵. استفاده و استناد به ادله و وسایل اثبات دعوا در محاکم حقوقی حصری‌اند یا تمثیلی؟

قسمت سوم: فرضیه‌ها

۱. در نظام حقوق موضوعه و شرعی ایران ادله و وسایل اثبات دعوا با وجود شرایط شرعی و قانونی از سیستم طریقت تبعیت می‌کنند.

۲. دادرس حقوقی در صورت عدم حصول قناعت وجدانی در استناد به دلیل ارائه شده از سوی اصحاب مخیر بوده و الزامی در پذیرش آن ندارد.
۳. تعیین قدرت اثباتی یا دلالت دلیل در خصوص ادله و وسایل اثبات دعوا با قاضی محکمه حقوقی می باشد.
۴. قاضی محکمه حقوقی در راستای اصل تناظر اختیار عدول از تشریفات قانونی ادله و وسایل اثبات دعوا را ندارد.
۵. ادله و وسایل اثبات دعوی ذکر شده در قوانین مختلف موضوعه تمثیلی می باشند.

قسمت چهارم: روش تحقیق

روش استفاده شده در این رساله، روش توصیفی و تحلیلی می باشد و سعی شده از منابع مختلف مانند کتابخانه‌ها، پایگاه‌های اینترنتی، پایگاه‌های اطلاعاتی استفاده شود.

قسمت پنجم: سامانه پژوهش

این پایان‌نامه در سه بخش تنظیم شده است که بخش اول آن شامل چهار فصل می باشد. فصل نخست که با عنوان مقدمه می باشد که در آن ضرورت پیشینه و ضرورت پژوهش، سوالات اصلی تحقیق، فرضیه‌ها و روش تحقیق مطرح شده است. فصل دوم با عنوان مفاهیم که در این فصل دلیل، وسایل اثبات دعوا، دلالت و اقسام آن، اثبات و اقسام آن، ثبوت، طریقت و موضوعیت تعریف و تبیین گردیده است. فصل سوم با عنوان قواعد عام مربوط به ادله شامل تبیین و تشریح موضوع دلیل، اهمیت دلیل، هدف دلیل، تقسیم‌بندی دلیل و مقایسه ادله اثبات در دعوی حقوقی و کیفری می باشد. فصل چهارم با عنوان آشنایی با نظام‌های دادرسی است که در برگیرنده آشنایی با نظام‌های دادرسی دلایل آزاد، دلایل قانونی و دلایل مختلط است. بخش دوم با عنوان طریقت ادله و وسایل اثبات دعوا، شامل دو فصل است که فصل اول آن به دلایل عمومی و فصل دوم به دلایل اختصاصی طریقت ادله و وسایل اثبات دعوا اختصاص دارد. بخش سوم با عنوان موضوعیت ادله و وسایل اثبات دعوا، نیز شامل دو فصل می باشد که فصل اول به دلایل عمومی و فصل دوم به دلایل اختصاصی موضوعیت ادله و وسایل اثبات دعوا پرداخته است.

فصل دوم: مفاهیم

قسمت اول: تعریف اثبات

«هرگاه کسی از خود حقی را بر عهده دیگری بداند، باید وجود آن را به اثبات برساند. مرحله علم به هر چیزی را مرحله اثبات گویند.»^۱ این مرحله در مقابل مرحله ثبوت قرار دارد. «ثبوت در لغت به معنی وجود و تحقق و استقرار است. در قرآن کریم نیز ثبوت به معنای استقرار آمده است. «وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَرِلَّ قَدَمُ بَعْدَ ثُبُوتِهَا» (نحل، آیه ۹۴) (... تا مبدا قدمی بعد از استقرارش بلغزد...) اثبات و تثبیت در لفظ قرآن کریم هر دو به معنای ثابت و مستقر کردن است.»^۲

به نظر می‌رسد چون امکان وقوع خطا در تحصیل علم و اطلاع از اشیاء و امور وجود دارد بنابراین ممکن است مرحله اثبات مطابق مرحله ثبوت نباشد فقط در صورتی که در کشف مجهولی اصابت به واقع شود مرحله ثبوت با مرحله اثبات انطباق پیدا می‌کند و در غیراین صورت این دو مرحله مخالف یکدیگرند.

«از نظر آیین دادرسی، اثبات یعنی اقامه دلیل بر مورد ادعا برای ترتب آثار است.»^۳ در علم حقوق به عبارت دیگر اثبات عبارت است از اثری که بر دلیل مترتب است.

«در معنای دیگر، اثبات عبارت است از هر امری که تفکر انسان را نفیاً یا اثباتاً به جهتی سوق می‌دهد. همان‌گونه که ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی اشاره می‌کند کسی که مدعی حقی است باید آن را اثبات کند و اگر دلیل نباشد حق ارزش خود را از دست می‌دهد زیرا نمی‌تواند حمایت آن را از مجموعه نظام بخواهد، از این رو بعضی دلیل را تکمیل کننده حق دانسته‌اند و به عبارت دیگر ارزش حق را منوط به وجود دلیل دانسته‌اند و کسی را که دارای حقی است نسبت به دلیلی که می‌تواند آن را اثبات کند دارای حق دانسته‌اند.»^۴

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دانشنامه حقوقی، ۱۳۶۸، ص ۶.

۲. قریشی، سیدعلی‌اکبر، قاموس القرآن، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۰۲.

۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، همان منبع، ص ۶.

۴. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۶.

قسمت دوم: تعریف اقسام اثبات

اثبات از حیث نظام‌های حاکم بر دادرسی بر سه قسم تقسیم شده است. «اثبات آزاد: شیوه‌ای از اثبات دعوا است که در آن قاضی مختار است به هر وسیله‌ای که بخواهد و بتواند از طریق آن به حقیقت و واقعیت موضوع اختلاف و ترافع پی ببرد، متوسل گردد. قاضی در این روش می‌تواند به علم شخصی خود استناد کند یا ترتیباتی را که به ظاهر غیرعقلانی برسند برای کشف حقیقت به کار ببرد. داستان اعلام نظر بر دو نیمه کردن طفلی که مورد اختلاف و ادعای دو زن قرار گرفته بود در قضاوت‌های منتسب به سلیمان پیامبر(ع) و همچنین قضاوت‌های علی بن ابی‌طالب(ع) معروفیت دارد.»^۱

«اثبات قانونی: چه از جهت کمی و چه از جهت کیفی، به موجب قانون معین گردیده و قاضی حق ندارد از آن حدود تجاوز کند مانند اثبات وقوع زنا با استماع شهادت چهار شاهد با کیفیت و ترتیب مخصوص خود. قاضی تعبداً باید به چنین شهادتی ترتیب اثر بدهد و اگر ترتیب اثر ندهد، فاسق و از منصب قضا منعزل است.

اثبات مختلط: شیوه‌ای از روش‌های اثبات دعوا است که در آن مثل روش اثبات قانونی و سائل اثبات کمأ و کیفاً به موجب قانون معین شده است ولی قاضی در ارزیابی و سائل اثباتی موجود در قوانین موضوعه در خصوص هر مورد معین اختیاراتی دارد مثلاً تعداد شهود، محصور نیست و اگر شهادت شهود برای قاضی اطمینان به وجود نیارود قاضی می‌تواند آن را نپذیرد و برای اثبات دعوا دلایل دیگر از مدعی بخواهد. در این روش نه مانند روش آزاد به قاضی آزادی عمل بدون قید و شرط داده شده و نه مانند روش اثبات قانونی او را کاملاً محدود و مقید به استفاده از طرق و سائل خاص برای کشف حقیقت نموده‌اند.»^۲

قسمت سوم: تعریف دلالت

«دلالت عبارت از کیفیتی است که به کمک آن به معرفت و شناخت چیزی برسند. در قرآن کریم دلالت به معنای نشان دادن و ارشاد به کار رفته است. «ما دلهم علی موته الا دابة الارض...» (سبأ، آیه ۱۴) (مردم را به مرگ سلیمان دلالت نکرد مگر حشره زمین) نتیجه آنکه دلالت ایجاد علم قطعی یا مرتبه‌ای از علم است که برای شخص نسبت به آنچه در پی یافتن آن است اطمینان و اعتماد به وجود آورد.

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دانشنامه حقوقی، ۱۳۷۶، ص ۶.

۲. همان، ص ۷.

علم در لغت به معنای دانستن و دانش است و در امور قضائی و علم حقوق رسم این است که علم عادی حجت است. علم عادی در مقابل علم به معنی فلسفی کلمه است که عبارت است از حالتی نفسانی که تحمل احتمال مخالف را نمی‌نماید.^۱ «گاهی شخص می‌تواند برای تحصیل علم شخصاً شاهد باشد و در جریان آن قرار گیرد، گاهی شخص مستقیماً در جریان تحصیل علم قرار نمی‌گیرد بلکه ناگزیر است با وسایل دیگر به آن دسترسی پیدا کند. در اصطلاح فقهی روش مستقیم تحصیل علم را باب علم و روش غیرمستقیم را باب علمی گویند. مقصود از علم در این اصطلاح، علم و یقین است و مقصود از علم چیزی است که جنبه اماره قانونی داشته باشد یعنی خود به خود مفید گمان باشد ولی این طریق که مفید گمان است تمسک به آن از نظر شارع تجویز شده باشد مانند خبر و حدیثی که راوی مطمئن روایت کند و این خبر متضمن یک دستور قانونی باشد. این خبر را اصطلاحاً «علمی» می‌گویند.^۲ به جز در مواردی که شخص رأساً به تحقیق و تبعی مبادرت ورزد و از روی قطع و یقین به نتایجی برسد معمولاً باب علم نسبت به علوم مختلفه به روی همه کس باز نیست ولی باب علمی برای همه باز است یعنی هرکس می‌تواند با مراجعه به منابع اطلاعات و کتب دانشمندان و استفاده از وسایل و دلایل به حقیقت و مطلوب خود به نحوی پی ببرد که برای او مفید ظن قوی باشد.

«تقسیم حالت نفسانی علمی به سه قسم قطع، ظن و شک، کم و بیش در تمام قانون‌گذاری‌های امروز جهان مورد توجه است. حالت ذهنی شخص را در موقعی که در مقابل یک مساله قرار می‌گیرد به سه قسم می‌توان تقسیم کرد. قسم اول حال قطع و یقین است. گاهی در بررسی یک مورد دو جهت متمایز دیده می‌شود؛ جهت علمی و جهت تردیدی یعنی از یک جهت علم حاصل می‌شود و از جهت دیگر تردید وجود دارد. چنین علمی را علم اجمالی می‌گویند. امری که اجمالاً معلوم است ممکن است مورد تردید بین چند چیز باشد. هرگاه در موردی که انسان علم دارد جهت تردید وجود نداشته باشد آن را علم تفصیلی یا علم یقین یا علم الیقین می‌گویند.^۳»

اطمینان عادی اطمینانی است که در عرف و عادت قابل ترتیب اثر است ولو آنکه احتمال خلاف آن منتفی نباشد. در اصطلاح، در مواردی که قطع و یقین و اطمینان عادی موجود نباشد حالت شخص حالت شک یا تردید خوانده می‌شود.

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان منبع، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۶۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۹۱.

۳. همان، ج ۲، ص ۴۶۸.

قسمت چهارم: تعریف اقسام دلالت

دلالت را به اعتبارات مختلف می‌توان به انواع و اقسامی تقسیم کرد که در این مبحث اقسامی از آن که مرتبط با موضوع پایان‌نامه است مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. دلالت طبیعی و دلالت وضعی

به یک اعتبار دلالت ممکن است طبیعی باشد یا وضعی. دلالت طبیعی موردی است که بین دلیل و مدلول علاقه‌ای وجود داشته باشد که آن علاقه در طبیعت موجود است مانند دلالت نور بر منبع نور یا دلالت تب بر بیماری. هرگاه دلالت طبیعی از مقوله‌الفاظ باشد آن را دلالت طبیعی لفظی می‌گویند و گرنه دلالت طبیعی غیرلفظی نامیده می‌شود. هرگاه علاقه بین دلیل و مدلول ناشی از قرارداد و توافق قبلی باشد، دلالت را دلالت وضعی می‌نامند مانند دلالت چراغ قرمز بر ممنوعیت عبور یا دلالت چراغ سبز بر جواز عبور و سیله نقلیه. در این مورد نیز مانند دلالت طبیعی که به لفظی و غیرلفظی تقسیم می‌شود اگر دلالت وضعی از مقوله‌الفاظ باشد آن را دلالت وضعی لفظی می‌نامند مانند علامات اختصاری که در یک کتاب یا مقاله یا لایحه برای مفهوم یا نام خاصی به کار می‌رود مثل کاربرد حرف «ص» برای صفحه یا حرف «ش» برای شماره.

«در علم منطق دلالت وضعی لفظی را به سه قسم تقسیم کرده‌اند: دلالت مطابقی، دلالت التزامی و دلالت تضمّنی.»

دلالت مطابقی عبارت است از دلالت یک لفظ بر تمام معنای مورد نظر از آن، مانند دلالت عقد بر ایجاب و قبول. دلالت التزامی عبارت است از دلالت لفظ بر یک معنی که آن معنی برای آن لفظ وضع نشده است ولی بین آن دو یک نوع ملازمه و ارتباط و پیوند وجود دارد و به سبب همین ارتباط است که از آن، به مفهوم ملازمه‌ای آن می‌بریم. برای مثال می‌توان گفت که بین دود و آتش ملازمه وجود دارد. بنابراین وجود دود دلالت التزامی بر وجود آتش دارد. بنابراین وجود دود دلالت التزامی بر وجود آتش می‌کند. دلالت تضمّنی، دلالت لفظ است بر یک قسمت از موضوع له مثل دلالت کلمه اجتماع بر خانواده زیرا خانواده جزئی از اجتماع است.»^۱

۲. دلالت عقلی

«هرگاه علاقه‌ای که بین دلیل و مدلول وجود دارد عقل انسانی توانایی ادراک آن علاقه را داشته باشد بدون آنکه تکیه به مشاهده طبیعت یا امری دیگری نماید آن دلالت را دلالت عقلیه یا دلالت

۱. همان، ج ۲، ص ۳۰۸.

عقلی می‌نامند مانند دلالت قانون بر قانون‌گذار، دلالت اثر بر مؤثر.^۱ «دالت عقلی را دلالت لَبّی هم می‌گویند. دلالت عقلی از اهمّ دلایل است.

۳. دلالت ظن

در مراتب مختلفه علم، قطع و یقین در مقابل شک و تردید قرار دارد. در محاورات و امور روزمره و عادی زندگی بیشتر به اطمینان عادی قناعت می‌کنند و اسم آن را علم به معنای دانش می‌گذارند ولی اهل علم می‌کوشند تا در مسائلی که در نزد آنان مطرح می‌شود از این حد پا فراتر گذارند و با تحقیق و بررسی کامل مسائل، حقیقت موضوعات مطروحه را هرچه بیشتر کشف کنند تا نسبت به آن قطع و یقین حاصل شود. این وضع در تحقیقات علمی و در فصل خصومات و امور قضائی همیشه مطلوب و مورد توجه است.^۲

«در موقعی که شخص در مقابل یک مسأله دو یا چند احتمال را می‌دهد یعنی در حالی که نتواند به یکی از احتمالاتی که می‌دهد گرایش و به اصطلاح قطع و یقین یا اطمینان پیدا کند، حالت ذهنی او را حالت شک می‌گویند. حالت شک دارای خصوصیات زیر است:

اولاً: شک، غیر اختیاری است، یعنی مطالعه و بررسی یک موضوع معین برای شخص او را به حالت حیرت و سرگردانی می‌کشاند بنابراین شک آزمایشی که معمولاً محققان پیش خود مطرح می‌سازند تا بهتر و بیشتر جوانب و اطراف مسأله را مورد بررسی قرار دهند از مصادیق حالت ذهنی شک نیست و همچنین افراد کثیرالشک که حالت مذکور در آنان به صورت بیماری روانی ظاهر می‌شود مصداق شک را در معنایی که بیان شد، نمی‌تواند داشته باشد.

ثانیاً: شک مربوط به مسأله خاصی است و اختصاص به مورد معین و محدود دارد. حالت ذهنی شخص در موقعی که علم او به مرحله شک نرسیده باشد حالت وهم و خیال است.^۳ «ظن یا گمان حالتی است نفسانی بین قطع و شک متساوی‌الطرفین یعنی از شک بالاتر و از قطع و یقین فروتر است.»^۴ «به مقتضای «ان الظن لایغنی من الحق شیئاً» (یونس، آیه ۳۶) ظن دلیل بر کشف حقیقت نمی‌تواند باشد مع‌هذا شارع مقدس برای افرادی که دسترسی به حقیقت بعضی از امور پیدا نمی‌کنند حکم ظاهری قرار داده و حجیت ظنون هم در حقیقت راه‌حل برای خروج از سرگردانی و حیرت فرد مکلف می‌باشد. گاهی ظن به قدری به قطع نزدیک می‌شود که حالت ذهنی، شخص را مانند قطع به

۱. همان، ص ۲۴۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۵۸.

۳. همان، ج ۲، ص ۴۳۴.

۴. همان، ص ۴۳۵.

سوی اظهار نظر می‌کشاند. در این صورت چنین ظنی را، ظن غالب می‌نامند و در بعضی تعبیرات آن را ظن متأخم به علم خوانده‌اند.^۱ چون حصول قطع در علوم نظری و تجربی در کمال ندرت است آنچه را در این گونه علوم قطع می‌نامند در واقع یک نوع ظن قوی است که از شدت و قوت به انسان تا حدی اطمینان می‌دهد به طوری که حتی گاهی نام آن را ظن نمی‌گذارند بلکه به آن اطمینان می‌گویند. ظنی را که منشأ آن را شارع مقدس مورد تایید قرار داده باشد مانند ظن حاصل از اماره فرایش، ظن خاص می‌نامند. به تعبیر دیگر، ظن خاص، ظنی است که در زمان انسداد باب علم تعبداً برای مجتهد حاصل می‌شود از خبر واحد که حجیت آن مورد اختلاف است ولی جمعی با قرائن دیگر، قائل به حجیت آن گردیده‌اند خصوصاً در صورتی که خبر واحد مشهوری باشد حجیت آن محرز است که می‌گویند اگر خبر واحد متضمن رفع ضرری باشد برای غیرمجتهد هم لازم‌العمل است ولی بعضی اعتبار خبر واحد را از باب ظن نمی‌دانند بلکه از باب حصول اطمینان عادی می‌دانند.^۲

«در مواردی که قانون به طور عام یا خاص استناد به ظن را تجویز کرده باشد آن ظن را ظن معتبر می‌نامند»^۳ مانند ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی که به موجب آن در مواردی که زن ثابت کند ترک منزل به سبب خوف ضرر مالی یا جانی است که عادتاً نمی‌توان تحمل کرد و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، دادگاه حکم به بازگشت به منزل نخواهد داد و مادامی که زن در بازگشت به منزل معذور است نفقه به عهده شوهر خواهد بود.

ظن مطلق

«ظنی است که دلیل صحت استناد به آن استدلال معروف به دلیل انسداد باشد. دلیل انسداد دلیلی است که طرفداران انسداد برای حجیت هر ظنی به طور عام و یکجا اقامه می‌کنند. ارکان این دلیل از این قرار است:

الف) راه علم و علمی به اکثر مقررات قانونی (فقهی) بسته است یعنی کسی نمی‌تواند اکثر مقررات مذکور را از طریق قطع و امارات قانونی به چنگ آورد.

ب) این وضع (انسداد) مستلزم تعطیل اجرای شریعت نباید باشد و نمی‌تواند در موارد مسدود بودن راه علم و علمی متوسل به اصل براءت از تکالیف قانونی شد زیرا در حقیقت اکثر مقررات به این ترتیب بدون عمل مانده و به صورت تعطیل در می‌آید.

۱. همان، ص ۴۳۷.

۲. مدرس، مجله کانون وکلاء، شماره ۸۷، سال ۱۵، آذر - دی ۱۳۴۲.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دانشنامه حقوقی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۳۷.